



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## تفکر در تعلیم و تربیت \*

می آورد.

بیشتر مباحث دربارهٔ فلاسفه ایالات متحده است، اما موضوعات مشابهی به فلاسفه بریتانیا نسبت داده می‌شود. لیپمن ماهیت و ویژگی‌های اشکال مختلف تفکر را وصف می‌کند و دربارهٔ اینکه تعلیم و تربیت چگونه باید هدفش را تصحیح کرده و ساختار تمرین را برای تقویت الگوی تأملی و تعلیمی تغییر دهد، نظر خود را اظهار می‌دارد. این بخش، بخشی جذاب و بحث‌انگیز است و به بررسی موانع و تصورات غلطی اختصاص دارد که در خصوص تعلیم و تربیت متداول است، تعلیم و تربیتی که برای رشد شناخت و ارتقای آن در شاگردان ضروری است.

این کتاب به نحو بسیار مناسبی چرایی لزوم بهبود و ارتقای وضعیت «تفکر» در مدارس را عنوان می‌سازد. همچنین به روش‌های مختلفی به شرح این موضوع می‌پردازد که معلمان چگونه می‌توانند شاگردانشان را به تفکر و بحث‌های فکرزا ترغیب کنند.

این کتاب شامل چهاربخش است: بخش اول تصویر تاریخی مبسوطی از بحث‌های فلسفی دربارهٔ «تفکر» فراهم می‌آورد که قسمت اعظم آن مبتنی بر دیدگاه‌های جان دیویی راجع به تعلیم و تربیت است. آرای متفاوت در مقدمه تاریخی [کتاب] معرفی و وصف می‌شود، سپس پیش زمینه مباحث جاری و مسائل روز مربوط به آموزش تفکر را فراهم



British  
Journal of  
Educational  
Studies

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی پژوهشی

بخش دوم کتاب بر اهمیت «حلقه کاندوکاو»<sup>۱</sup> توجه خاص دارد. لیپمن اهمیت مکالمه [ گفت‌وگو ] و مبانی مبادله تجارب به واسطه گفت‌وگو را جهت بسط و تعمیم این نوع حلقه یا جمع فکری برجسته می‌سازد. مذاکره و چانه‌زنی بر سر برداشتها، تأمل درباره دلایل یا گزینه‌ها و ارزیابی تفاسیر [ تعبیر ] با هدف معطوف ساختن توجه شاگردان به مسائل اجتماعی، معنوی، اخلاقی و فلسفی، مورد تأکید قرار می‌گیرد. لیپمن به تفصیل و به طور ویژه‌ای این امر را مورد بررسی قرار می‌دهد که چگونه این رهیافت به احتمال قوی می‌تواند مثلاً با تقویت استعدادهای کودکان جهت انجام قضاوت‌های آگاهانه و توأم با

نکته‌سنجی، شیوه‌ای برای تقلیل خشونت باشد. توصیف‌های روشنی از سازماندهی نحوه تشکیل یک چنین حلقه کاندوکاوی با معرفی پنج مرحله گام به گام روند کار (که وجوه مشترکی با سایر برنامه‌های فکری متداول دارد) در این بخش دیده می‌شود. لیپمن رهیافت تعلیمی‌ای را که برای ایجاد نتایج مطلوب روان‌شناختی لازم است به روشنی توضیح می‌دهد.

بخش سوم کتاب شامل بحثی درباره استلزامات عاطفی و شناخت است. لیپمن به بررسی نحوه تأثیر عواطف بر تفکر و نیز این موضوع می‌پردازد که تفکر چگونه باید در حول محور عواطف بسط یابد. این آرا

روشنگر عقیده او درباره تفکر مراقبتی<sup>۲</sup> (یا سقراطی / مامایی<sup>۳</sup>) است، که او آن را مدلی برای تفکر عاطفی می‌خواند.

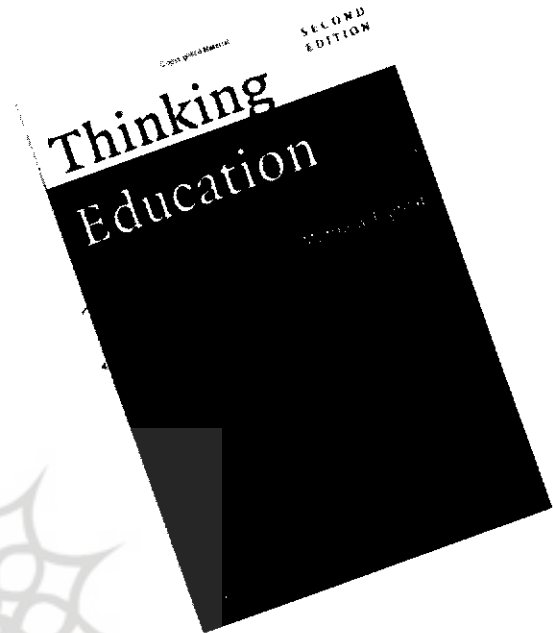
لیپمن در این کتاب شرح می‌دهد که چگونه باید واژگان مناسبی برای فراهم آوردن امکان تفکر، بحث و یادگیری برای کودکان درباره عواطف بسط یابند تا کودکان بتوانند برای درک و فهم ارزش‌ها تعلیم یابند. او افعال ذهنی (فرآیندهای فکری که به نتایجی منجر می‌شوند) و حالات ذهنی (نحوه فکر - حالات روحی) را مشخص می‌کند و شرح می‌دهد که چگونه این موارد در رشد ذهن نقش دارند. آن‌گاه بحث خود را به شرح چهار نوع مهارت فکر یعنی تحقیق [ / کندوکاو ]، استدلال، سازماندهی اطلاعات و تأویل و ترجمه، بسط می‌دهد.

بخش آخر کتاب به اصلاح و بهبود تفکر در کلاس‌های درسی می‌پردازد. لیپمن به کرات به چندی بدعی بودن شناخت (ص ۱۹۹) که می‌تواند و می‌بایست مابین تفکر انتقادی، تفکر خلاق و تفکر مراقبتی نضج یابد، تصریح کرده و آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. او بحث خود را به تشریح هریک از این موارد و توصیف مجدد دیدگاهش درباره فلسفه تربیتی بسط می‌دهد. کندوکاو یا تحقیق انتقادی بر تأمل و تعمق استوار است، ملاک‌هایی همچون دقت و سازگاری را مورد تأکید قرار می‌دهد و تفکر تحلیلی را (بسان تفکر یک متخصص یا خبره) پرورش می‌دهد؛ اما جنبه خلاق بر توانایی فنی و تخیل جسورانه (بسان تخیل یک هنرمند) اهمیت می‌دهد، و سومین جنبه، یعنی تفکر مراقبتی، بالا بردن قدرت درک ارزش‌ها را (بسان پدر یا مادری دلسوز و مراقب، یا طراح محیط زیستی با ملاحظه و با فکر) کانون کار خود قرار می‌دهد. دقت و مراقبت در مورد اینکه چه مسائلی اهمیت دارند در تفکر خلاق یا تفکر انتقادی جایگاه ویژه‌ای دارد و بنابراین معلمانی که این سه شکل تفکر را ترویج می‌دهند می‌توانند موجبات رشد قوه قضاوت و داوری شاگردان را فراهم آورند.

لیپمن به این نتیجه می‌رسد که باید از رشته مستقلی که جنبه‌های عمومی و کلی تفکر انتقادی را تعلیم می‌دهد، حمایت کرد. چون در غیر این صورت، برای معلمان مشکل خواهد بود که در رشته‌های خاص علت اهمیت تفکر را به دانش‌آموزان خود منتقل سازند. او چنین دوره تحصیلی را در فلسفه ترسیم می‌کند، البته نه در معنای سنتی و آکادمیک آن، بلکه در نوع مبتنی بر داستان و حکایت که تمرکزش بر گفت‌وگو، تعمق و تقویت قوه قضاوت و داوری است.

لیپمن اظهار می‌کند که محوریت قوه داوری (در این نوع فلسفه) باید به روشنی قابل رؤیت باشد، چرا که اکثریت قریب به اتفاق معلمان، فلسفه را مجموعه‌ای حاصل از یک دسته پرسش‌ها و پاسخ‌ها تصور می‌کنند. تلاش برای دگرگون ساختن طرح کتاب‌های درسی جهت تشویق دانش‌آموزان به تأمل و تفکر انتقادی، همچنین صحنه‌گذاردن بر تنوع آرا، حمایت از بحث آزاد و تبادل نظر جهت تقویت قوه قضاوت در درون و میان رشته‌ها، با نااشیگری (یا کورمال کورمال گشتن) و نتایج تصادفی گره خورده است (ص ۲۹۰). لیپمن شرح می‌دهد که چگونه یک زیربنای تربیتی که تعریف روشنی دارد، برای حمایت از فعالیت‌های فکری خاص و سرانجام نسبت به پرورش استعداد داوری فرد، بسیار حیاتی است.

در صورتی که ارجاعات بیشتری به آثار معاصر نویسندگان دیگر در همین حوزه به عمل می‌آمد، برای تأیید و بسط پیشنهادات لیپمن مفید واقع می‌شد. لیپمن اگر چه به جایگاه شوق و علاقه در تفکر اشاره می‌کند اما معلوم نیست اثر پرآوازه گلمن<sup>۴</sup> (۱۹۹۶) در زمینه هوش عاطفی را در نظر دارد یا نه. این اثر با بحث‌های مدلی بر آن است که هوش عاطفی، بسیار مهم‌تر از طبقه اجتماعی یا ضریب هوشی خام فرد است. مطالعه مک‌گینز<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) درباره «مهارت‌های فکری در کلاس‌های مبتنی بر تفکر» استدلال علیه اعمال تغییرات بسیار حیاتی در فلسفه و تمرین‌های کلاسی برای ایجاد یک حلقه فکری مؤثرتر را، مورد تأیید قرار می‌دهد.



British Journal of Educational Studies, Vol. 51, Year 2003;  
Pages 303 - 305.

\*\* دانشکده تعلیم و تربیت دانشگاه کیل

\*\*\* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به چاپ رسیده است.

1. Community of Inquiry
2. Caring
3. Maieutic
4. Goleman
5. McGuinness
6. Stenberg
7. Judicial
8. Robert Fisher

مک‌گینز همچنین نحوه کار سه شکل متفاوت برنامه‌های فکری (و میزان موفقیت آنها را) شرح می‌دهد. شواهدی که او ارائه می‌دهد، بحث برنامه‌های فکری ویژه در رشته‌های تحصیلی را علیه وارد کردن فنون تربیتی مناسب تشریح می‌کند.

لیپمن برای توانایی‌های شناختی برای انجام قضاوت‌های معقول و آگاهانه ارزش قائل می‌شود. اگر او در بررسی تأثیر این موضوع در تفکر شاگردان، بحث خود را به کار استرنبرگ<sup>۶</sup> (۱۹۹۷) در زمینه گونه‌های تفکر که ریشه‌ها، کاربردها و فایده‌های تفکر غیرمغرضانه<sup>۷</sup> را تعیین می‌کند، تعمیم می‌داد، استدلالش برای افزودن آن به دوره‌های درسی مدارس قوی‌تر می‌شد.

این کتاب برای افرادی که درگیر تدریس فلسفه، مناسبات شهروندی یا تفکر در رشته‌های درسی خاصی (همچون تفکر در جغرافی یا تفکر در علم) هستند، می‌تواند منبع مفیدی باشد. این کتاب مجموعه‌ای کاملی برای کتاب رابرت فیشر<sup>۸</sup> (۲۰۰۰)، **تعلیم تفکر: کند و کاو فلسفی در کلاس درس**، که ارائه‌دهنده شیوه‌ای عمل‌گرایانه برای معلمان رشته‌های تحصیلی مختلف است، فراهم می‌کند.

#### منابع:

- FISHER, R (2000) *Teaching Thinking*. Philosophical inquiry in the classroom (London, Continuum).
- GOLEMAN, D. (1996) *Emotional Intelligence*. Why it can matter more than IQ (London Bloomsbury).
- STERNBERG, R, (1997) *Thinking Styles* (Cambridge, Cambridge University Press)
- MCGUINNESS, C. (1999) *From Thinking Skills to Thinking Classrooms*; Research Brief 115 (London, Department for Education and Employment)

#### پانویس‌ها:

\* تفکر در تعلیم و تربیت (ویراست دوم)، نوشته متیو لیپمن، انتشارات دانشگاه کمبریج.

این مقاله در مجله